

چشم‌انداز قدرت نرم هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵

سید داود آقایی*

محمود حسینی**

چکیده

امروزه اهمیت قدرت نرم، به واسطه روند گسترش یافته جهانی شدن و کاهش روزافزون نقش قدرت سخت در روابط بین‌الملل، بیش از پیش برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی هر کشور نمایان گشته است. کشور هند به واسطه برخورداری از تاریخ و تمدن چند هزار ساله و وجود فرهنگ‌ها و ادیان متفاوت، پتانسیل بالقوه‌ای برای دستیابی به قدرت نرم دارد که در قالب سیاست خارجی، ارزش‌های سیاسی و فرهنگ این کشور تجلی پیدا نموده است. این مقاله سعی دارد فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی هند را برای دستیابی افزون‌تر به قدرت نرم، که در راستای دستیابی به اهداف ملی این کشور خواهد بود، بازگو نماید.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، هند، سیاست خارجی، فرصت‌ها، چالش‌ها

* استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران Email: Davood_Aghaee2003@yahoo.com

** کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال پانزدهم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۹۱ • شماره مسلسل ۵۸

مقدمه

مفهوم قدرت به هر میزان توانایی که برای حفظ، گسترش قدرت و دستیابی به اهداف امنیتی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و مانند آن صورت می‌گیرد، گفته می‌شود. این توانایی‌ها برای دستیابی به اهداف ملی هر کشور به منابع خاصی نظیر جمعیت، سرزمین، منابع طبیعی، اقتصاد قوی، نیروی نظامی و ثبات سیاسی نیاز دارد. این برداشت، در بردارنده مفهوم سنتی از قدرت، یعنی قدرت سخت در سیاست بین‌الملل به ویژه در مکتب واقع‌گرایی (رئالیسم) می‌باشد. سنت رئالیسم، وضع سیاست بین‌الملل و روابط بین‌الملل را به عنوان وضع طبیعی و انارشی‌گونه در نظر می‌گیرد که بر اساس آن، هر دولت، در این وضعیت مجبور می‌شود به اصل خودیاری و حفظ منافع ملی خویش در فضای بین‌المللی و روابط با سایر کشورها رجوع کند. بر طبق دیدگاه واقع‌گرایان، امنیت و بقای دولت از طریق حداکترسازی قدرت و عناصر قدرت ملی، که شامل توجه به مرزهای سرزمینی و ژئوپولیتیکی، توانایی خودکفایی در منابع طبیعی، صنعتی و دستیابی به تکنولوژی و فناوری‌های نوین است؛ حاصل می‌شود. موارد مذکور بستری را برای ایجاد قدرت نظامی و سخت‌افزاری مورد نظر رئالیست‌ها را فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، از نظر واقع‌گرایان، قدرت سخت است که برآیند سیاست بین‌الملل را رقم می‌زند و به نظر وایت، سیاست قدرت همان سیاست زور است (شپهان، ۱۳۸۸: ۲۵). در ادوار گذشته، ارزیابی منابع قدرت بین‌المللی آسان‌تر بوده است. بر این اساس، یکی از راه‌های سنتی پی‌بردن به قدرت برتر در سیاست بین‌المللی، استعداد و توان نظامی بوده است، اما با گذشت قرن‌ها و توسعه فناوری، منابع اندازه‌گیری و سنجش قدرت تغییر کرده و شامل ترکیب مواردی چون مشروعیت، منابع انسانی، مهارت، دانش، عوامل نامحسوس و منابع مادی شده است. در نتیجه، قدرت اقتصادی و فرهنگی در سیاست بین‌الملل، نسبت به قدرت نظامی ارجحیت یافته است (شارپ، ۱۳۸۹: ۶-۶۵).

امروزه در فضای بین‌المللی با پروسه جهانی‌شدن و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، اولویت قدرت نرم بیش از پیش محرز گشته است. قدرت نرم را می‌توان به گفته نای این‌گونه تعریف کرد: «توانایی دولت در رسیدن به اهداف مطلوب از طریق ایجاد جاذبه و کشش و نه با استفاده از قوه قهریه و زور. به عبارتی دیگر، قدرت نرم بر قابلیت شکل‌دادن به علایق دیگران تکیه دارد» (نای، ۱۳۸۹: ۴۳).

جدا از این مباحث، نای منابع قدرت نرم را در سه مقوله عمده تقسیم‌بندی می‌کند که شامل، فرهنگ کشور، ارزش‌های سیاسی و بالاخره، سیاست خارجی است (نای، ۱۳۸۹: ۵۱). این مقاله تلاش دارد با استفاده از تقسیم‌بندی مذکور، تغییر اولویت و ادراک سیاستمداران هندی از منابع قدرت، از سخت به نرم را در این کشور مورد بررسی قرار دهد و علاوه بر آن، چالش‌های پیش رو برای دستیابی این کشور به قدرت نرم افزون‌تر در فضای بین‌المللی را ارزیابی کند.

الف. چارچوب نظری

قدرت نرم عبارت است از توانایی تغییر یا شکل‌دادن به اولویت دیگران، بر اساس آنچه ما می‌خواهیم، فکر یا رفتار کنند. بنابراین، قدرت نرم متعلق به بازیگرانی است که بدون اینکه از زور استفاده کنند نتایج دلخواه خود را می‌گیرند، چون سیاست‌ها و ارزش‌های آنان برای دیگران جذابیت دارند (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۷). قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار از افکار عمومی داخلی و جهانی و قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است؛ که امروزه این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت فیزیکی است، به کار می‌رود (خراسانی، ۱۳۸۷). قدرت نرم امروزه از طریق پتانسیل جذب کنندگی جهانیان (عموم مردم) توسط مقدمات داخلی کشور، ایده‌آل‌های سیاسی و خط‌مشی‌های آن کشور سنجیده می‌شود؛ این ابزارها و عناصر در عین واقعیت، ذهنی و درک ناپذیرند. موفقیت قدرت نرم کشور به شهرت و حسن نیت آن در جامعه بین‌المللی و همچنین، انتقال اطلاعات بین دولت‌ها و ملت‌ها بستگی دارد. اکنون، به واسطه روند رو به رشد و فزاینده جهانی‌شدن و گسترش تئوری‌ها و مکاتب وابسته به لیبرالیسم، به ویژه، تئوری نئولیبرالیسم یا نهادگرایی نئولیبرال، اهمیت قدرت نرم بیش از پیش، در فضای بین‌المللی برجسته شده است. واژه قدرت نرم، اولین بار^۱ توسط

۱. جوزف نای مفهوم قدرت نرم را برای نخستین بار در مقاله‌ای با عنوان (Misleading metaphor of decline) در نشریه (Atlantic) در مارس ۱۹۹۰ مطرح کرد. وی در این مقاله بیان می‌کند: "اگر آمریکا تنها ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را

جوزف نای استاد دانشگاه هاروارد در کتاب ملزم به رهبری؛ تغییر ماهیت قدرت آمریکا^۱ در سال ۱۹۹۰ به کار گرفته شد. وی پس از مشاهده تغییر ماهیت قدرت آمریکا در نظام بین‌الملل و جهانی، این مفهوم (قدرت نرم) را در کتاب دیگری با عنوان، قدرت نرم به عنوان یکی از ابزارهای مهم موفقیت در سیاست بین‌الملل^۲ بیش از پیش گسترش داد. جوزف نای در این کتاب، قدرت نرم در نظام بین‌الملل را ناشی از عواملی چون ارزش‌های مسلط، ممارست‌های داخلی، خط مشی و رویه اداره‌کردن جهان توسط دولت و حسن نیت و وجهه دولت در فضای جهانی برمی‌شمارد (نای، ۱۳۸۹: ۸۱-۳۱).

فرهنگ مسلط در جهان که از طریق رسانه‌های جمعی القا می‌شود، به عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم به شمار می‌رود. فرهنگ هر کشور واجد عناصری چون زبان ملی، ارزش‌ها و هنجارهای ملت می‌باشد که توسط گول‌های رسانه‌ای که در قرن حاضر خود را به عنوان ابزار قدرت نرم معرفی کرده‌اند، تبلیغ و منتشر می‌شود؛ که این مسئله باعث الهام‌گیری ملت‌ها از فرهنگ دیگر کشورها و استقبال از فرهنگ جدید در مقابل ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و بومی کشور خود می‌شود. دیپلماسی فرهنگی و فرهنگ در این‌جا نقش ابزاری را دارد که به هر کشور کمک می‌کند تا به اهداف و منافع خود در سیاست خارجی دست یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

در سیاست خارجی، قدرت نرم و سخت هر کدام، به عنوان واحد مجزا، برای حفظ و استمرار قدرت در نظام بین‌الملل تلقی می‌شوند؛ که هر یک اجزا و عناصر خاص خود را دارند. دستاورد مکتب واقع‌گرایی که بر استراتژی قدرت سخت تمرکز دارد و بر مداخله نظامی، دیپلماسی، اجبار و تحریم‌های اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف و منافع ملی کشور تأکید می‌کند، چیزی جز تقابل و سیاست‌های مقابله‌ای در برابر کشورهای هم‌جوار نیست که دارای هزینه‌ها و مخارج زیادی است. این در حالی است که استراتژی قدرت نرم بر ارزش‌های سیاسی متعارف، استفاده از ابزارهای صلح‌آمیز برای مدیریت و حل و فصل منازعه،

برای برنامه‌ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقا داده و هم کمک‌های مؤثر و هم اطلاعات مورد نظر را به خارج برساند؛ به قدرتی متفاوت و عمیق‌تر از *hard power* دست می‌یابد که به آن *soft power* می‌گوئیم (خاشعی، ۱۳۸۰).

1. Bound to Lead: The Changing Nature of American Power
2. The Means to success in World Politics

همکاری اقتصادی به منظور دستیابی به راه‌حل‌های مرسوم تأکید می‌کند که هزینه‌ها و مخارج اندک نسبت به استفاده از قدرت سخت و نظامی - تسلیحاتی در روابط بین‌الملل دارد (Wagner, 2002). منظور از هزینه قدرت در اینجا، میزان اعتباری است که در دو حوزه مادی و معنوی لازم است برای اعمال قدرت، به کار گرفته شود (شارپ، ۱۳۸۹: ۱۴).

در دنیای امروز، توسل مستقیم به زور برای کسب منافع اقتصادی، سیاسی و غیره، برای کشورها بسیار پرهزینه و خطرناک شده است (Nye, 2010:8). اگر چه قدرت نرم دستاورد و نتیجه سریع برای کشور ندارد (با تأکید بر اینکه قدرت سخت دستاورد سریعی دارد)، اما در طولانی‌مدت تأثیر عمیقی بر دولت و جامعه طرف مقابل می‌گذارد. اهمیت قدرت نرم در روابط بین‌الملل این است که قابلیت و توانایی تأثیر بر کشورهای دیگر را دارد، اما به صورت ناخودآگاه و تدریجی. این ابزار به عنوان شیوه غیرمستقیم برای دستیابی به اهداف ملی قلمداد می‌شود و به عنوان آن روی سکه قدرت، که نقش آن روز به روز روشن‌تر می‌شود، خودنمایی می‌کند (Nye, 1990:155).

مشخصات قدرت نرم و سخت در روابط بین‌الملل

قدرت	سخت (هزینه‌بر)	نرم (کم هزینه)
طیف رفتارها	وادارکردن، اجبار، فرمان	جاذبه، ملاحظات سازمانی، هم‌کاری
مهم‌ترین منابع	تطمیع، الزام، رشوه، تنبیه	فرهنگ، ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی، سیاست‌های داخلی و خارجی مشروع، نهادها
رویکرد	تقابلی و سریع	تعاملی و زمان‌بر

منبع: (نای، ۱۳۸۹: ۴۷)

جیمز روزنا نیز استدلال می‌کند که گسترش فناوری‌های نوین موجب اهمیت یافتن قدرت نرم شده است. از نظر وی، هنجارهایی که جنبه جهانی دارند و بنیان قدرت نرم را تشکیل می‌دهند، از توانایی‌های نظامی و اقتصادی مؤثرترند و بر خلاف قدرت سخت که یک‌طرفه

است، قدرت نرم مبتنی بر تعامل بوده و به صورت غیرمستقیم و از طریق شکل دادن به محیط عمل کرده و زمان زیادی طول می‌کشد تا اثربخش باشد (سجادپور، ۱۳۹۰: ۸۷).

قدرت در روابط بین‌الملل پس از دوره جنگ سرد، گرایش زیادی به استفاده کمتر از ابزارهای قدرت سخت و در مفهوم کلی، گرایش کمتری به زور دارد و به نظر می‌رسد از ظرفیت و قابلیت اعتبارسازی قدرت و نیروی نظامی کاسته شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۶). امروزه با گسترش بازیگران خصوصی و شرکت‌های فراملیتی و کشورهای متعدد، دیگر کشورهای قدرتمند قادر نیستند با ابزارهای سنتی قدرت به اهداف ملی خود برسند؛ که در گذشته کاربرد زیادی داشته‌اند. این مسئله بستری را برای رشد و توسعه قدرت نرم در قاموس روابط بین‌الملل فراهم آورده است. حداقل ۵ عامل را می‌توان ذکر نمود که به واسطه آنها امروزه در سیاست بین‌الملل، قدرت سخت اولویت خود را به قدرت نرم داده است؛

۱. گسترش وابستگی اقتصادی

۲. افزایش بازیگران فرامنطقه‌ای

۳. رشد فزاینده ناسیونالیسم در کشورهای ضعیف

۴. توسعه تکنولوژی و فناوری

۵. تغییرات در مسائل سیاسی

در قرن بیست‌ویکم، توسعه تکنولوژی و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، تأثیر شگرفی بر گسترش وابستگی اقتصادی و مداخله اقتصادی در دیگر کشورها توسط کشورهای قدرتمند، به وجود آورده است. کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات، زمینه‌ساز دگرگونی کلی در بازارهای جهانی، توسعه و شتاب فزاینده شرکت‌های فراملیتی که فعالیت‌های اقتصادی را به آن سوی مرزها کشانیده‌اند، محذورات قدرت نرم را بیش از پیش آشکار می‌سازند. فرایند مدرنیزاسیون، شهرنشینی، گسترش ارتباطات بین‌الملل توسعه‌یافته و در حال توسعه و پراکنده‌شدن قدرت دولتی به بازیگران خصوصی و فرامنطقه‌ای باعث گسترش قدرت نرم در روابط بین‌الملل شده است.

خودآگاهی اجتماعی در جوامع در حال توسعه، باعث تقویت خودآگاهی در میان مردم و نخبگان در جهان سوم شده و در این چرخه، شاهد کاهش حوزه قدرت نظامی (سنتی) هستیم که

هزینه‌های زیادی را بر دولت تحمیل می‌کند. گسترش تکنولوژی مدرن، بسترهای افزایش توانایی و قابلیت‌های حکومت‌ها در کشورهای عقب‌مانده و جهان سومی را فراهم آورده است. در دوره حاضر، در اثنای تغییر ماهیت روابط بین‌الملل به ویژه در جهان سوم، شاهد تأثیر و نفوذ بیشتر قدرت نرم برای دستیابی به اهداف ملی هر کشور در حوزه جهانی هستیم که مخارج کمتری را در بر دارد. مطابق گفته جوزف نای در عصر اطلاعات، ۳ نمونه از کشورها در به دست آوردن و کسب قدرت نرم در روابط بین‌الملل موقعیت ممتازی دارند؛

نخست، کشورهایی که دارای فرهنگ مسلط و ارزش‌ها و هنجارهایی، مطابق با آرمان‌های جهان‌گرایانه می‌باشند. دوم، کشورهایی که دسترسی به کانال‌های چندگانه ارتباطات از جمله رسانه‌های گروهی (جمعی) دارند تا هر مسئله‌ای را به نفع خود تمام کنند. از همین رو، توانایی رسانه‌ها در جذب مخاطبان انبوه و مشارکت در فرایند شکل‌دهی به افکار عمومی قدرت قابل ملاحظه‌ای برای مداخله در بحران‌ها و کشمکش‌های داخلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به آن می‌بخشد در این کشاکش رسانه‌ای، هر طرفی که بتواند علمی‌تر، عمیق‌تر و هوشمندانه‌تر عمل کند، پیروز میدان خواهد بود (عیوضی، ۱۳۸۷: ۵۶).

سوم، کشورهایی که قابلیت افزایش کارایی داخلی و بین‌المللی‌شان را دارند (Nye, 2002:14). یکی از شاخص‌های سنجش قدرت نرم، میزان برخورداری ساکنین یک سرزمین از اعتماد و سایر مؤلفه‌های مطرح در حوزه سرمایه اجتماعی است (مولایی کرمانی، ۱۳۹۱: ۵۵). بر این اساس، یکی از شواهد افزایش و اهمیت قدرت نرم در جهان معاصر، را می‌توان برگزاری المپیک پکن (در چین) دانست. موفقیت این المپیک به افزایش قدرت نرم کشور چین در تمام جهان کمک شایانی نمود. این موفقیت نشانگر قابلیت و توانایی دولت و کشور چین و همچنین، افزایش درک متقابل و اعتماد بین دولت و شهروندان و تشویق تمام این عوامل برای تدارکات و مهیاسازی مراسم بود. به گفته اکثر تحلیل‌گران، پس از المپیک پکن، بیشتر توجهات جهانی بر محور چین متمرکز شد، زیرا چین از آن زمان از نظر کشورهای غربی به ابرقدرت تبدیل شده بود و این کشورها روز به روز افزایش توسعه و قدرت چین را در روابط بین‌الملل رصد می‌کنند. امروزه دولت‌مردان چین با ارزیابی نیاز این کشور به افزایش قدرت نرم در صحنه روابط بین‌الملل و سراسر جهان، به گسترش زبان چینی و فرهنگ خاص چین پرداخته‌اند.

ایالات متحده نیز با افزایش سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها و تأکید بر دیپلماسی عمومی پس از ۱۱ سپتامبر و جنگ افغانستان و عراق، بیش از پیش قدرت نرم خود را افزایش داده است، زیرا استفاده یک‌جانبه از قدرت سخت این کشور در عراق و افغانستان منجر به رشد بی‌رویه آمریکاستیزی و ضدیت با آمریکا در بخش‌های زیادی از جهان شده بود و این مسئله قدرت نرم این کشور را در صحنه جهانی به گونه‌ای روزافزون کاهش داده بود (نای، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۸۵).

قدرت نرم، از محیط فرهنگی جامعه و فقط توسط مردم کشور ناشی می‌شود و دولت‌ها در ایجاد آن نقش اندکی داشته و یا نقشی ندارند (Nye, 2006). اگرچه دولت‌ها نقش کمتری در ایجاد قدرت نرم دارند، ولی می‌توانند قدرت نرم را از طریق ابزارهای متنوع چون دیپلماسی عمومی برجسته سازند. دیپلماسی عمومی فرایندی است که رابطه مستقیمی با تعقیب منافع ملی توسط مردم دارد که مطابق با منافع و ارزش‌هایی است که دولت آن را نمایندگی می‌کند (Sharp, 2007:106). در هر صورت، قدرت نرم هر کشور متکی بر ۳ عامل اصلی است، چون:

۱. فرهنگ کشور (زمانی که در نگاه دیگران جذابیت داشته باشد)
۲. ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی (که این ارزش‌ها چه در داخل و چه در خارج از کشور برای جهانیان و ملل دیگر خوشایند باشد و هیچ‌گونه ریایی در اجرای آن به کار برده نشود)
۳. سیاست خارجی (که مشروع و دارای اقتدار اخلاقی (قانونی و مسئولانه) چه در داخل کشور و چه از دید جهانیان) (بلیک، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

ب. منابع قدرت نرم هند؛ فرصت‌ها

هند به عنوان کشوری با سابقه تاریخی چند هزار ساله، همواره از پتانسیل قدرت نرم عظیمی برخوردار بوده است. امروزه این کشور، قدرت نرم خود را در جهان بیش از پیش گسترش داده و این عوامل سبب شده از دید کشورهای ابرقدرت، به عنوان قدرت ترسناک نگریده شود. تأثیر قدرت نرم هند بر کشورهای آسیای جنوب شرقی که دارای میراث و تمدن‌های مشترک هستند، زیاد است و این مجموعه از کشورها اکنون به عنوان همسایگان متمدن در

جهان شناخته می‌شوند (Purushotman, 2010). امروزه، از فرهنگ هند در سراسر جهان به خوبی یاد می‌شود. این فرهنگ، تسلط زیادی بر کشورهای هم‌جوار، به ویژه آسیای شرقی دارد. همچنین این کشور، علاوه بر روابط حسنه با کشورهای مجاور و همسایه با دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مثل ایران رابطه خوبی دارد که این روابط از دید جهانیان قدرت نرم این کشور را روزافزون می‌کند (Tennyson, 2012:153).

قدرت نرم هند، به تدریج، همواره با فرهنگ و تمدن مسلطش که ارتباط زیادی با پراکندگی هندیان در سراسر جهان دارد، شکوفا می‌شود. امروزه، فیلم‌های مشهور هندی، موسیقی‌ها و دیگر ابزارهای ترویج تاریخ و تمدن این کشور، به طور روزافزون در آن سوی مرزها تبلیغ می‌شود. این عوامل بسترهای گسترش قدرت نرم این کشور در جهان به شمار می‌آید.

۱. فرهنگ

فرهنگ به عنوان بااهمیت‌ترین منبع قدرت نرم قلمداد می‌شود و کشور هند در موقعیت ممتاز و ویژه فرهنگی و تاریخی قرار دارد که از این ابزار برای گسترش قدرت نرم خود بهره می‌برد. به باور بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی، نمونه بارز و اعلاای اعمال قدرت نرم است که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد تا در طرف مقابل نفوذ کنند و از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده‌ها، آنان را ترغیب به همکاری با منافع خود کنند (خانی، ۱۳۸۴:۱۳۷).

فرهنگ هند، اخیراً به عنوان آلت‌رناتیوی برای ارزش‌ها و فرهنگ مسلط غربی در جهان قلمداد می‌شود که به تدریج حوزه نفوذ آن افزایش پیدا می‌کند. هند با برخورداری از تمدن و فرهنگ تاریخی در جهان، علاوه بر روابط حسنه با کشورهای هم‌جوار خود با تمدن‌های تاریخی دورافتاده از خود، نظیر تمدن ایران، رم و آسیای جنوب شرقی نیز ارتباط داشته است. این منبع عظیم و سرشار فرهنگی و تمدنی چند هزار ساله، جذب هزاران توریست، تجار و بازرگانان را برای این کشور به ارمغان آورده است.

کشورهای زیادی، هنوز دارای آثار زیادی از فرهنگ و سنت‌های هندی هستند. پرستشگاه انگرووات^۱ در کامبوج، پرستشگاه بودایسم در تایلند و میانمار و همچنین، حضور چندین گویش سانسکریتی^۲ در زبان بهاشا^۳ در اندونزی که تأثیر و نفوذ غالب فرهنگ هندی را در این کشورها نشان می‌دهد (Purushotman, 2010). هند به عنوان سرزمینی که بودا در آن ظهور کرد، به عنوان پرستشگاه و مکان مذهبی برای بودائیت‌ها در سراسر جهان قلمداد می‌شود. آیین بودا از هند به چین گسترش پیدا کرد و از طریق راهبان و قدیسان بودایی در سراسر آسیا ترویج یافت که زمینه‌ساز تأثیر گسترده اندیشه‌های بودیسم در کل آسیا شد (Ramachandran, 2007).

کشور هند، سیاست گسترش نفوذ قدرت نرم خود را در منطقه آسیا- پاسفیک ادامه می‌دهد که یکی از تجلی‌های آن را امروزه در ایجاد دانشگاه مشهور نالاندا^۴ با مشارکت کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور شاهدیم. این ابتکار از سوی هند، یک نمونه از هم‌گرایی ۵ کشور با کارگزاری قدرت نرم می‌باشد (Purushotman, 2010).

علاوه بر گسترش بودایسم در سراسر جهان، امروزه نزدیک به ۱۳۸ میلیون نفر مسلمان در هند زندگی می‌کنند و وعاظ اسلامی در هند عقیده دارند که گسترش ارزش‌های فرهنگی و مذهبی اسلام در سنگاپور و مالزی، الهام‌گرفته از فرهنگ اسلامی از سوی هند است (Ahmed, 2010: 285). پراکندگی هندی‌ها در سرتاسر جهان به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های قدرت نرم این کشور به شمار می‌رود. میلیون‌ها هندی در سراسر جهان^۵ از قبیل کشورهای مثل فیجی، گویان، مالزی، موریتس، سورینام، آفریقای جنوبی و تریناداد و توباگو پراکنده هستند. کشورهای نظیر موریتس، گویان و فیجی دارای جامعه بسیار بزرگی از هندوها هستند که این عامل در روابط میان کشورهای مذکور با هند، از موضع برتر هند در این روابط حکایت دارد.

-
1. Angkor Vat
 2. Sanskrit
 3. Bahasha
 4. Nalanda

۵. این جمعیت تقریباً ۲۰ میلیون نفر در ۷۰ کشور دنیا تخمین زده می‌شود (MEA, 2002).

کشور	سهم جمعیت هندی‌ها به درصد
موریتس	۶۰/۳۵
تریناداداو توباگو	۳۹/۰۴
گویان	۵۱/۰۱
سورینام	۳۵
فیجی	۴۱/۳۴
آفریقای جنوبی	۳
مالزی	۷/۲

منبع: (Bhat, 2010: 16)

اگرچه هندی‌های مهاجر در قرن نوزدهم، به عنوان کارگران معمولی به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند، ولی امروزه، باسوادترین و آموزش‌دیده‌ترین گروه‌های مهاجر در کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا به شمار می‌روند. امروزه جامعه هندو-آمریکایی، نفوذ و قدرت زیادی در آمریکا دارد. یکی از موفق‌ترین و بااهمیت‌ترین جنبه‌های فرهنگ مسلط هند، دوره‌های آموزش یوگا است که تأثیر زیاد و شگرفی بر میلیون‌ها نفر در سراسر جهان داشته است. یوگا به عنوان پدیده جهانی به سرعت به بخشی از جریان اصلی فرهنگی، به ویژه در غرب تبدیل شده است. غذاهای هندی همراه با چاشنی و ادویه‌جات مخصوص آن در سراسر جهان، به ویژه در غرب طرفداران زیادی پیدا کرده است. در ایالات متحده آمریکا و کانادا، غذاها و رستوران‌های بزرگ هندی از شهرت زیادی برخوردارند.

پراکندگی هندی‌ها در غرب^۱ و نفوذ آنان، سبب نقش فعال‌تر این جامعه در کشورهای پذیرنده آنها شده است. برای مثال، امروزه خانه کارگری هندی‌ها در انگلستان در قالب کارفرما، تعداد زیادی از افراد را در شرکت‌های صنعتی نظیر آهن و فولاد، زغال سنگ و کشتی‌سازی استخدام کرده است (Tharoor, 2007).

۱. سهم هندی‌ها در جمعیت کشوری چون انگلستان (۲/۱ درصد)، ایالات متحده آمریکا (۱/۶) و کانادا (۲/۶) می‌باشد (Baht, 2010: 16).

موسیقی و فیلم‌های هندی به عنوان اجزای دیگری از فرهنگ هند قلمداد می‌شوند که روز به روز گسترش پیدا می‌کنند. قدرت موسیقی و فیلم می‌تواند مرزها را به یکدیگر متصل کند و باعث نزدیکی مردمان شود. موسیقی و فیلم‌های هندی در بازارهای بزرگ بین‌المللی مشهوریت و محبوبیت زیادی دارند؛ به ویژه در آسیا، اروپا، آفریقا و آسیای غربی. علاوه بر آن، در کشورهای نظیر روسیه، سنگال و سوریه، فیلم‌های هندی و بالیوود شهرت زیادی دارند (بالیوود مهم‌ترین صنعت فیلم‌سازی پس از هالیوود است).

بزرگترین سینمای جهان از نظر تولید در سال ۲۰۱۰ با تولید جمعاً ۱۲۷۴ فیلم، سینمای هند می‌باشد. فیلم‌های هندی محبوبیت زیادی در کشورهای آسیای جنوبی مثل بنگلادش، نپال، پاکستان، افغانستان و سریلانکا که در مجاورت هند قرار دارند و دارای فرهنگ مشترک با هند هستند، دارند. همچنین، این فیلم‌ها طرفداران زیادی در اروپا، آفریقا و خاورمیانه دارد (عالمی، ۱۳۹۱: ۳۹).

موسیقی هندی تسلط و نفوذ زیادی در کشورهای آسیای جنوبی دارد و گسترش فیلم‌های هندی باعث تسلط فرهنگ هندی بر این کشورها شده است. بعضی از کشورها همچون پاکستان برای جلوگیری از این تسلط فرهنگی، کانال‌های تلویزیونی هندی و فیلم‌هایی که با همکاری بالیوود ساخته می‌شود را در این کشور ممنوع کرده‌اند.

وجود تندیس‌های متعدد مومی از چندین بازیگر مشهور فیلم‌های هندی در مرکز مادام توسو^۱ در لندن، یکی از شواهد تأثیر سینما و فرهنگ هند و نشانگر افزایش قدرت نرم هند در آن سوی مرزهاست (Purushotman, 2010). تصاحب جایزه اسکار توسط فیلم‌های هندی، حاکی از پتانسیل فیلم‌های هندی و بازیگران هندی است، که سبب تقویت قدرت نرم هند می‌شود. هر ساله نویسندگان هندی به عنوان نویسندگان برتر بین‌المللی و مفتخر به کتاب سال می‌شوند که همه هندی‌ها به آن می‌بالند. زمانی که فیلم‌های هندی روی پرده سینمای جشنواره‌های فیلم‌های بین‌المللی مثل کانز^۲ می‌رود و وقتی هندی‌ها مفتخر به کسب جایزه نوبل و مگ ساسی^۳ می‌شوند، هند در حال شکوفاکردن قدرت نرم از طریق ابزار فرهنگی می‌باشد (Purushotman, 2010).

1. Madame Tussaud
2. Cannes
3. Magsasay

موفقیت شرکت‌های هندی نظیر این‌فوسیز^۱ و شرکت فناوری وی‌پ‌رو^۲ در بخش تکنولوژی و فناوری اطلاعات^۳ و همچنین، موفقیت شرکت‌های چندملیتی وابسته به هند مثل گروه تاتا^۴ و گروه رلی‌انس^۵ که در جهان شناخته شده هستند، تصویر جدیدی از هند را به عنوان کشور توسعه‌یافته می‌دهد. امروزه، یکی از بهترین مراکز عالی علوم مهندسی و تکنولوژی و فناوری اطلاعات در هند می‌باشد، برای مثال، مؤسسه مدیریت و فناوری هند^۶ یکی از عالی‌ترین مراکز آموزشی، تحقیق و توسعه در علوم مهندسی و فناوری در جهان محسوب می‌شود (EIRC, 2008:15-28).

تساهل مذهبی در هند زیاد است و کمتر در این کشور شاهد درگیری و منازعات مذهبی هستیم. در افسانه‌های هند دو موعظه وجود دارد؛ نخستین موعظه این است که جهان به عنوان خانواده من محسوب می‌شود و پند دیگر این است که اجازه بده صلح در جهان پراکنده شود. این دو افسانه هندی به صلح‌طلبی هندیان اشاره دارد. مذاهب متفاوتی چون هندویسم، اسلام، سیکسیسم، جینیسم، بودیسم، مسیحیت، یهودیت و زرتشت در هند وجود دارد^۷ (درویش‌پور، ۱۳۹۰:۱۰۲).

سرزمین هند، یکی از شواهدی است که مذاهب مختلف در یک سرزمین می‌توانند به‌طور هماهنگ و مسالمت‌آمیز با یکدیگر تعامل داشته و رابطه داشته باشند. این مفهوم متفاوت از فرهنگ سکولاریسم غرب است که جدایی دین و سیاست را بیان می‌کند و مذهب را عامل منازعه و تفرقه می‌انگارد در مقابل، سکولاریسم هندی به معنای قبول تمام مذاهب است.

دیپلمات‌های باتجربه و خبره هندی از تجربه‌های اندوخته خود به‌عنوان ابزاری برای گسترش قدرت نرم این کشور در روابط بین‌الملل استفاده می‌کنند. دیپلمات‌های هندی نقش مهمی در طول دهه‌های ۷۰-۱۹۶۰ در فضای بین‌الملل ایفا کردند و در مذاکرات و کنفرانس‌های بین‌المللی نظیر کنفرانس‌های تغییرات آب‌وهوایی در جهان نقش فوق‌العاده‌ای

1. Infosys
2. Wipro
3. Information Technologies
4. Tata group
5. Reliance
6. Indian Institute of Technology

۷. مذاهب عمده هند شامل: هندویسم (۸۰/۵)، اسلام (۱۳/۴)، مسیحی (۲/۳) و سیکسیسم (۱/۹) می‌باشد

داشتند. اکثر دیپلمات‌های هندی دارای مدارج عالی، آموزش دیده و آشنا با ارزش‌ها و فرهنگ بومی خود هستند و اغلب این تپ از سیاستمداران و دیپلمات‌ها در رسانه‌ها و پارلمان هند مشغول به کار بوده و هستند. این مسئله باعث می‌شود توده محروم، خود را در بطن سیاست و در تعامل با سیاستمداران تلقی کنند (Malone, 2011:36).

روند رو به رشد جهانی شدن در کشورهای جهان سوم و همچنین، نقش روزافزون رسانه‌های گروهی سبب شده هند بیش از پیش فرهنگ تساهل‌گونه، تاریخی و متمدن خود را به جهانیان عرضه کند و به یکی از مهم‌ترین ابزارهای افزایش قدرت نرم در سیاست بین‌الملل دست یابد.

۲. سیاست خارجی

سیاست خارجی هر کشور پایه و چارچوب روابط میان کشورها را تعیین می‌کند (Bending, 1996:1). رفتار هر کشور در روابط بین‌الملل می‌تواند برای دیگر کشورها سازگار یا ناسازگار باشد. هر بازیگری در فضای بین‌المللی، سعی دارد تصویر ناسازگار از خود را در دید دیگر بازیگران و جهانیان، تقلیل دهد و به افزایش سازگاری رفتار سیاست خارجی‌اش با محیط بین‌الملل بپردازد. جوزف نای در این مورد بیان می‌کند که سیاست خارجی کشورها می‌تواند باعث افزایش قدرت نرم کشور شود؛ در صورتی که این رفتار توسط دیگر کشورها و مردمان؛ مشروع و دارای اقتدار اخلاقی درک و ملاحظه شود (Nye, 2004:11).

در زمینه سیاست خارجی و چگونگی رابطه آن با قدرت نرم، می‌توان ۳ وظیفه اساسی برای دستگاه سیاست خارجی متصور شد؛

۱. ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی از دید افکار عمومی بین‌المللی
۲. کسب پرستیژ بین‌المللی
۳. مدیریت افکار عمومی (خراسانی، ۱۳۸۷).

امروزه سیاست خارجی هند بر پایه ارزش‌های اخلاقی بنا شده است. از زمان نخست‌وزیری جواهر لعل نهرو در این کشور، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی پایه و اساس رفتار سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد. جواهر لعل نهرو، نخستین نخست‌وزیر و معمار اصلی سیاست

خارجی هند و همچنین، قهرمان پیروز میدان نبرد با استعمار تلقی می‌شود (سمیعی، ۱۳۹۰: ۵۱).

سه مشخصه اصلی سیاست خارجی هند در دوره حاکمیت نهر و عبارتند از:

۱. ایفای نقش مهم و فعال در نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد

۲. رهبری جنبش عدم تعهد

۳. مشارکت مهم و فعال در فرایند استعمارزدایی (Ganguly & Pardesi, 2009: 6).

میراث استقلال و جنبش آزادی‌بخش در هند و رهبری آن توسط گاندی به عنوان کشوری که به صورت مسالمت‌آمیز به استقلال خود رسید، یکی از ابزارهای مهم در سیاست خارجی برای افزایش قدرت نرم هند تلقی می‌شود و این قدرت نرم باعث استحکام سیاست خارجی هند از آن زمان شده است. گاندی به عنوان فردی که در تاریخ هند، به اقدام‌های بدون خشونت‌آمیز اعتقاد داشت، شناخته می‌شود و تجربیات سیاسی او در مواجهه با مشکلات داخلی هند در سال‌های ۶-۱۹۲۵ و همچنین، مبارزه با اشغال‌گری بریتانیا، گواه این مدعاست (شارپ، ۱۳۸۹: ۶-۱۹۵).

علاوه بر آن، قبل از استقلال هند، رئیس‌کنگره ملی هند از جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی که تحت استعمار و استثمار کشورهای غربی در آسیا و آفریقا قرار داشتند، حمایت می‌کرد و این حمایت مادی و سیاسی حتی پس از استقلال هند نیز ادامه داشت (Dixit, 2003: 31). هند همچنین، مبارزه جدی با آپارتاید و تبعیض نژادی را در عرصه بین‌المللی دنبال نمود.

کشور هند در طول جنگ سرد، از ملحق شدن به هر یک از دو بلوک غرب و شرق امتناع کرد و علاوه بر آن، در بحران کره در سال ۱۹۵۰، با فرستادن یک گروه پزشکی در قالب قطعنامه سازمان ملل متحد، به افزایش جایگاه و نقش خود در کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه‌یافته اقدام نمود. این مسئله باعث شد هند نقش کاربزماتیک در کمیون بی‌طرف بازگشت ملی^۱ در سال ۱۹۵۳ پس از جنگ کره ایفا کند و به عنوان میانجی در ایجاد موافقت‌نامه صلح هندی-چینی پس از شکست فرانسه در ویتنام شناخته شود (Dixit, 2003: 46).

به عقیده اکثر تحلیل‌گران، هند از توانایی و قابلیت زیادی برای آشتی و میانجی میان دو طرف درگیر در روابط بین‌الملل برخوردار است. این اعتبار و قابلیت دیپلماتیک، از منابع قدرت اقتصادی و نظامی این کشور ناشی نمی‌شود، بلکه از قدرت نرم این کشور حکایت دارد (Dixit, 2003: 47).

امروزه، از دید کشورهای جهان سومی، جواهر لعل نهرو، به عنوان فرمانده و رهبر کشورهای تازه استقلال یافته که رهبری جنبش عدم تعهد^۱ را در آن سالها برعهده داشت، شناخته می‌شود. نهرو با ایده جنبش عدم تعهد، زمینه‌ساز سیاست مستقلی از دو بلوک در دوره جنگ سرد شد و از این منظر، مانع استفاده از زور در فضای بین‌المللی شد.

منازعه چین و هند^۲ به عنوان نقطه عطفی در سیاست خارجی هند به شمار می‌رود که چرخشی از رویکرد ایده‌آلیستی دوره حاکمیت نهرو بود. این چرخش، به‌عنوان بخشی از ادراک سیاست‌گذاران خارجی هند که به قدرت نرم هند و رهبری این کشور توسط کشورهای جهان سوم در این جنگ پی برده بودند، اشاره داشت.

جدا از منازعه چین و هند، جنگ میان هند و پاکستان در سال‌های ۷۱-۱۹۶۵ و ائتلاف احزاب در داخل هند در سال ۱۹۶۱، استفاده از دو عنصر و تلفیق قدرت نرم و سخت را در رویکرد سیاست خارجی هند قرار داد. اگرچه در این جنگ استفاده از عنصر قدرت سخت هند در اولویت قرار داشت، ولی از قدرت نرم نیز بیش از پیش علیه پاکستان استفاده می‌شد. پس از آن دوره، شخصیت مقتدری در رأس حکومت هند به نام ایندیرا گاندی (۷۵-۱۹۶۶) قرار گرفت که بر خلاف پدرش، در سیاست خارجی بیشتر به عمل‌گرایی و واقع‌گرایی تمایل داشت و بر این عقیده بود که سیاست خارجی هند باید با منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی این کشور گره بخورد و اهداف ملی این کشور باید فقط از طریق افزایش قدرت سخت در فضای خودیار نظام بین‌الملل، محقق شود (Dixit, 2003: 88).

در پی این سیاست واقع‌گرایانه، از آن دوره شاهد هم‌کاری استراتژیک‌گونه و امضای پیمان ۲۰ ساله امنیتی-دفاعی این کشور با شوروی هستیم که به منظور بالابردن قابلیت دفاعی این کشور علیه پاکستان در سال ۱۹۷۱ صورت گرفت و حتی هند در دوره اول نخست‌وزیری ایندیرا گاندی^۳، به اولین آزمایش اتمی خود در ماه مه سال ۱۹۷۴ مبادرت نمود (کولایی،

1. Non-Aligned Movement

۲. اولین منازعه به دلیل دست‌اندازی چین به منطقه تبت بین این دو کشور در ۱۹۶۲ رخ داد و در دهه‌های ۷۰-۱۹۶۰، بیش از پیش ادامه پیدا کرد (www.dr-shafie.ir).

3. Indira Gandhi

۲۵۵:۱۳۹۱). هند در دهه ۷۰ با ادعای مداخله بشردوستانه در بنگلادش، علیه پاکستان دست به جنگ تمام‌عیار زد و این عامل سبب شد قدرت نرم هند به تدریج کاهش یابد. اگرچه در دوره‌ای که ایندیرا گاندی پست نخست‌وزیری هند را برعهده داشت، شاهد تبدیل سیاست خارجی هند به مفهوم کلاسیک آن در روابط بین‌الملل بودیم که شامل رویکرد رئالیستی موازنه قدرت و تسلط بر مناطق استراتژیک و دست‌یابی روزافزون به قدرت سخت در فضای بین‌المللی می‌شد اما در دوره حاکمیت مورارجی دسای^۱ (۷۹-۱۹۷۷)، شاهد چندین ابتکار جدید در سیاست خارجی هند هستیم که به بهبود روابط این کشور با چین، آمریکا و پاکستان کمک شایانی نمود و تصویر بهتری از هند را در جهان به نمایش گذاشت (Malone, 2011:36).

در دو دوره بعد، راجیو گاندی آفرزند و جانشین ایندیرا گاندی (۸۹-۱۹۸۴)، از چین در سال ۱۹۸۸ ملاقات کرد و با این عمل نشان داد دولت هند به بهبود روابط با همسایگان متعهد است، اما استقرار نیروی حافظ صلح هند در سریلانکا از دید جهانیان به عنوان مداخله در امور داخلی کشور دیگر قلمداد می‌شد و این رفتار متناقض در سیاست خارجی هند، به عنوان جنبه‌ای از تجاوز به کشور دیگر در روابط بین‌الملل شناخته شده و از این لحاظ، هند در این دوران ۸۰-۱۹۷۰ به هژمون متجاوز برای همسایگان بدل شده بود (Purushotman, 2010).

پس از دوره جنگ سرد، به ویژه پس از آزادسازی تجاری و پیوستن هند به روند جهانی شدن، شاهد تغییر عمده در رویکرد سیاست خارجی این کشور هستیم که به بهبود روابط هند با سایر کشورهای جهان کمک کرد. در هند پس از جنگ سرد، شاهد حذف برخی از محدودیت‌های ایدئولوژیکی که غرب را به عنوان نماد استعمار و استثمار جهان سوم تلقی می‌کرد، هستیم. هند از آن زمان به بعد به واسطه مسائل اقتصادی و امنیتی، رابطه خوبی با آمریکا را تجربه کرد؛ در حالی که تا پیش از آن، روابط حسنه و استراتژیک‌گونه، با دو کشور چین و شوروی داشت (Oommen, 2010:73).

1. Morarji Desai
2. Rajiv Gandhi

پس از دهه ۱۹۹۰، هند تلاش کرد نقش برادر بزرگتر را در میان کشورهای آسیای جنوبی به عهده بگیرد و با میانجی‌گری و حل و فصل منازعات میان همسایگان (با احتیاط از این که در امور داخلی کشور دیگر دخالت ننماید) به افزایش وجهه بین‌المللی خود مبادرت نمود. در این مورد، واگنر استدلال می‌کند که «سیاست منطقه‌ای هند پس از ۱۹۹۰ با مشخصه تأکید بیشتر بر استراتژی قدرت نرم استوار بوده است» (Wagner, 2005:9). یکی از مثال‌های عینی این رویکرد در دکترین گوجرال^۱، دیده می‌شود که تأکید می‌کند وظیفه هند در مقابل همسایگان و کشورهای ضعیف هم‌جوار، نه در راستای مداخله و دخالت در امور آنها، بلکه به عنوان مسئولیت برادرانه و حقوق بشری تلقی خواهد شد (Banerjee, 1998: 109).

بر پایه این دکترین، هند از دوره ۱۹۹۱ به بعد، با تغییراتی در سیاست داخلی از جمله آزادسازی‌های اقتصادی روبه‌رو گشت که در راستای تغییر رویکردها و خط مشی به سمت دست‌یابی به قدرت نرم صورت می‌گرفت. هند با الهام از دهه‌های ۸۰-۱۹۷۰ که به رغم داشتن منابع نظامی و قدرت سخت و با استراتژی قدرت سخت به اهداف ملی‌اش که همان پیروزی نظامی در جنگ ۱۹۷۱ علیه پاکستان در مسئله کشمیر بود، نرسیده بود.

این دوره، دوره تغییر خط مشی در رویکرد سیاست خارجی این کشور از قدرت سخت به نرم بود (Wagner, 2005:9). محدودیت‌های استراتژی اعمال قدرت سخت توسط هند در قبال مسئله کشمیر علیه پاکستان در دهه ۱۹۹۰، زمینه‌ساز بحران دوجانبه میان دو کشور شد.

در مجموع، روند روزافزون جهانی‌شدن و آزادسازی اقتصادی در کشورها، زمینه‌ساز وابستگی بیشتر کشورها به یکدیگر می‌شود و هند هم با پیروی از این روند بر امواج جهانی‌شدن سوار شده تا از این قافله عقب نماند. امروزه، تقویت و افزایش قدرت نرم هند بر پایه هم‌کاری‌های اقتصادی بیشتر از طریق ابتکاراتی نظیر سازمان همکاری منطقه‌ای برای جنوب آسیا^۲ صورت می‌گیرد. همچنین، این کشور پیشنهاد اقدامات سازنده برای ایجاد و اعتماد متقابل^۳ با دیگر کشورها از جمله پاکستان را ارائه کرده است (Askari, 2011:19). این

1. Gujral doctrine
2. South Asia Association for Regional Cooperation
3. Confidence Building Measures

کشور پس از دوره جنگ سرد در مدت کوتاهی در سازمان‌های اقتصادی و امنیتی چون آسه‌آن^۱، سازمان هم‌کاری‌های شانگ‌های^۲ (عضویت نظارتی)، مجمع منطقه‌ای آسیایی^۳، نشست سران شرق آسیا^۴ و مجمع نشست آسیا-اروپا^۵ عضو شد (کولایی، ۱۳۹۱:۲۵۷).

تأکید جدی بر افزایش قدرت نرم، همچنان به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی هند بدل شده است. با روی کار آمدن حزب بهاراتیا جاناتا^۶ در سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۸ پس از حزب کنگره^۷، این حزب توقف سیاست‌های یکجانبه، با تأکید بر افزایش قدرت نظامی را اعمال نمود و بیشتر آزمایشات هسته‌ای را کاهش داد. این دو عامل محکومیت جهانی علیه آزمایش‌های هسته‌ای هند کاهش داد که خود زمینه‌ساز افزایش قدرت نرم هند شد.

ابتکارات حزب کنگره از سال ۲۰۰۴، باعث تقویت ارتباطات مردمی میان هند و پاکستان شد و طرح اعتمادسازی متقابل هند سبب افزایش وجهه کشور و دولت هند نزد مردم پاکستان شد که این عوامل، افزایش قدرت نرم هند در پاکستان را به همراه داشت. هند همچنین، علاقه زیادی به بهبود روابط با همسایگان و حل و فصل منازعات مرزی با چین و بنگلادش، از خود نشان داد.

جنگ کارگیل^۸ میان هند و پاکستان در سال ۱۹۹۹ باعث اهمیت عامل قدرت نرم در روابط بین‌الملل شد. هند در این جنگ حمایت اکثر کشورها را همراه داشت و پاکستان از دید جهانیان، در این جنگ به عنوان مقصر و آغازگر جنگ قلمداد می‌شد. این جنگ همچنین، محدودیت‌های قدرت سخت را نشان داد؛ زیرا هیچ یک از دو کشور نمی‌توانستند علیه یکدیگر مبادرت به استفاده از سلاح هسته‌ای نمایند؛ چون هر دو از بروز جنگ تمام‌عیار هسته‌ای هراس داشتند.

مشارکت پیوسته هند در عملیات‌های حفظ صلح در سازمان ملل، قدرت نرم این کشور را بیش از پیش افزایش داد. هند با بیش از ۵۵ هزار پرسنل نظامی در ۳۵ عملیات حفظ صلح و امنیت بین‌الملل تحت پرچم سازمان ملل در سراسر جهان شرکت کرده است (موسی‌زاده، ۱۳۸۹:۳۱۷).

-
1. ASEAN
 2. Shanghai Cooperation Organization
 3. Asian Regional Forum
 4. East Asia Summit
 5. Asia – Europe Meeting Forum
 6. Bharatiya Janata Party
 7. National Democratic Alliance
 8. Kargil

ارتش هند همواره سعی دارد با اعمال قدرت نرم در مناطق منازعه‌خیز نظیر جامو و کشمیر بر اذهان مردمی تسلط یابد تا از ایجاد منازعات تعصبی جلوگیری کند. عملیات‌های سازندگی (سدباوانا^۱) در جامو و کشمیر و دیگر عملیات‌ها توسط ارتش هند باعث ایجاد زیرساخت‌ها در این مناطق، ایجاد کمپ‌هایی برای اسکان پناهندگان و کمک‌های دارویی برای مردمان این مناطق، از جمله مساعی این کشور در نقاط منازعه‌خیز می‌باشد (Purushotman, 2010).

یکی از بهترین مثال‌های عینی موفقیت هند برای استفاده از قدرت نرم در رابطه با افغانستان و بعد از سقوط طالبان، بازسازی افغانستان از طریق کمک به ایجاد زیرساخت‌هایی نظیر ایجاد سد، جاده و فرستادن معلمان برای دانش‌آموزان افغان بود. هند اعلام کرد در دوره زمانی ۲۰۰۲-۹ حدود ۷۵۰ میلیون دلار جهت بازسازی افغانستان کمک خواهد کرد، که این میزان پرداخت، هند را تبدیل به پنجمین کشور عمده کمک‌کننده به افغانستان می‌نمود. از آن زمان به بعد تلویزیون، کانال‌ها و فیلم‌های هندی به تفریح و گذران اوقات فراغت اغلب افغان‌ها در شهر و روستاها تبدیل شده است (شفیعی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

هند همچنین، پس از سقوط صدام در عراق، ۲۰ میلیون دلار به این کشور کمک کرد و علاوه بر آن، ۱۰ میلیون دلار دیگر برای سرمایه‌گذاری در ایجاد زیرساخت‌ها در عراق کمک بلاعوض نمود (Pradhan, 2011: 53).

از جمله مثال‌های دیگر برای تقویت قدرت نرم و وجهه این کشور در نظر جهانیان، واکنش‌هایی است که از سوی دولت هند در قبال حملات تروریستی در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۶ در بمبایی صورت گرفت؛ بدین معنی که به رغم تعصب و روحیه وطن‌پرستی در میان عموم مردم هند و تبلیغات رسانه‌ها در آشفته نشان دادن فضای داخلی هند، دولت ارتش و یگان هوایی را بسیج نمود و فقط بر مکان‌های تروریستی تمرکز کرد و تنها بازمانده تروریستی را دستگیر نمود. دولت این کشور، حتی برای این فرد حق قانونی انتخاب وکیل در دادگاه را در نظر گرفت (Malone, 2011: 37). این عمل را باید با اتفاقات و حوادث ناگوار در زندان گوانتاناموی آمریکا مقایسه نمود؛ افراد بی‌گناه، برای مدت زمانی طولانی و بدون محاکمه، در این زندان، مجازات و شکنجه شدند. این عمل در کشوری که ادعای قدیمی‌ترین دموکراسی جهان را دارد، تأسف برانگیز بود.

رشد سریع اقتصادی هند، پس از جنگ سرد، نشان‌گر تصویر مثبت از این کشور در جهان می‌باشد. امروزه هند، به عنوان یکی از موفق‌ترین کشورها و الگوی دیگر کشورها در اقتصاد جهان با میانگین نرخ رشد ۷ درصد در سال شناخته می‌شود. در سال‌های گذشته هند با نرخ رشد ۸-۷ درصدی و برخورداری از بیشترین جمعیت کارگران ماهر انگلیسی‌زبان در میان کشورهای بریک^۱، به عنوان موتور اقتصادی قوی و صادرکننده خدمات شناخته می‌شود؛ به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، این کشور در کنار چین، مقام برتری را از دیگر قدرت‌های بزرگ برآید (کولایی، ۱۳۹۱:۲۶۷).

هند، امروزه به عنوان بهترین مقصد برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی تلقی می‌شود، که دستاورد این عامل گسترش و رشد اقتصادی و به تبع قدرت اقتصادی هند می‌باشد. ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۰۵، دو برابر شد و به ۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ رسید. پیش‌بینی می‌شود با توجه به این میزان سرمایه‌گذاری خارجی، تا پایان سال ۲۰۱۲ هند در شمار ۵ کشور اول جذب‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد (کولایی، ۱۳۹۱: ۲۵۰).

هند با عضویت در نهادهای بین‌المللی چون گروه ۷۷ و گروه ۲۲ و جنبش عدم‌تعهد^۲، به عنوان کشوری پیشرفته و متعهد به قانون‌های بین‌المللی شناخته می‌شود. هند همچنین، هفت دوره^۳ به عنوان عضو غیر دائم شورای امنیت، انتخاب شده است. علاوه بر آن، این کشور خواستار کسب کرسی دائمی در شورای امنیت می‌باشد و این تقاضا همچنان از سوی دولت هند تکرار می‌شود^۴ (موسی‌زاده، ۱۳۸۹).

۳. ارزش‌های سیاسی

هند به عنوان بزرگترین دموکراسی جهان شناخته می‌شود و این عامل (دموکراسی)، یکی از سرمایه‌های ارزشمند هند برای الگوپذیری دیگران به شمار می‌آید که به عنوان ابزاری برای مقابله با چالش‌ها و مشکلات داخلی در این کشور از آن بهره‌برداری می‌شود. این کشور بر

1. Brazil, Russia, India , China (BRIC)

2. Non-Aligned Movement

۳. در سال‌های ۱-۱۹۵۰، ۸-۱۹۶۷، ۳-۱۹۷۲، ۸-۱۹۷۷، ۵-۱۹۸۴، ۱۹۹۱-۱۲ و ۲۰۱۱-۱۱ می‌باشد (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۸).

۴. مهم‌ترین تلاش هند برای عضویت دائم در شورای امنیت را می‌توان در طرح گروه ۴ در سال ۲۰۰۵ یافت

(موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۱۴).

خلاف دیگر کشورهای در حال توسعه، همیشه با سنت دموکراسی عجین بوده و از رژیم‌های نظامی و اقتدارگرا به دور بوده است. هند به عنوان کشوری در حال توسعه ثابت کرده است. دموکراسی می‌تواند با فقر و جامعه بی‌سواد پابرجا بماند و به غیر از کشورهای غربی، کشورهای دیگر هم می‌توانند الگویی خاص برای دموکراسی باشند.

هند، پس از استقلال دارای انتخابات آزاد و عادلانه بوده و دموکراسی در هند مشارکت همه طبقه‌ها و گروه‌های مختلف در اجتماع و جامعه هندی را می‌پذیرد. همچنین، در این نظام، زنان مشارکتی فعال در زمینه سیاست دارند. هند به عنوان مشوق دموکراسی برای کشورهای منطقه آسیای جنوبی نظیر بوتان و نپال محسوب می‌شود. تعهد و الزام هند به دموکراسی و آزادی، زمینه قدرت اخلاقی و افزایش قدرت نرم این کشور را فراهم آورده است.

آزادی مطبوعات و عقیده در جامعه هند، نشان‌گر اجازه تبلیغ عقاید متفاوت در این کشور است. در هند، جامعه مدنی پیشرفته و توسعه‌یافته‌ای وجود دارد که از هرگونه زمینه و بستر برای ایجاد اقتداگرایی جلوگیری می‌کند و به حل بیماری‌های اجتماعی می‌پردازد.

امروزه، دولت هند تلاش زیادی برای کاهش فقر و حل مسائل زیست‌محیطی دارد. این کشور دارای قوه قضاییه مستقل و قوی در مسائل عموم مردم محسوب می‌شود؛ اما در مورد مسائل مختص به دولت، این دادگاه، از دید مردم هند طرف دولت را می‌گیرد.

ج. چالش‌های قدرت نرم هند

راهبرد هر حکومتی می‌تواند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کند. سیاست‌های داخلی یا خارجی که متکبرانه و بی‌توجه به آراء دیگران و یا پیرو روش تنگ‌نظرانه یا مزدورانه باشد، می‌تواند در کاهش قدرت نرم هر کشور مؤثر باشد (نای، ۱۳۸۹: ۵۶). گرچه ابتکارات و ایده‌هایی نظیر عملیات سدباوانا^۱ باعث افزایش قدرت نرم هند شد، اما ابتکارات دیگری مثل ایده سالواجودیوم^۲ در ایالت چاتیسگر^۳ باعث بیزاری مردم از حکومت شد. این ایده به واسطه تأکید بر قدرت سخت در جنگ علیه چپ‌گراهای رادیکال اعمال شد.

1. Sadhbhavana
2. Salwajudum
3. Chattisgrah

مائوئیست‌ها، جنگ داخلی را در بخش‌های پراکنده‌ای از کشور علیه دولت هند صورت دادند. در مقابل، دولت هند مبادرت به مسلح‌نمودن اغلب جوانان روستایی و قبیله‌ای نمود تا علیه آنها به مبارزه برخیزند. این عامل باعث از دست رفتن وجهه و حسن‌نیت دولت هند از دید جهانیان شد و توسل به ابزارهای نظامی در سرکوب مخالفین، موجب متهم‌شدن دولت هند به نقض حقوق بشر در مجامع بین‌المللی گشت؛ حتی خود فرد سالواجودیوم هم در داخل هند، متهم به تجاوز، اخاذی و شکنجه افراد شده بود (Purushotman, 2010).

دولت پلیسی و نقض حقوق بشر در هند، تأثیر منفی بر وجهه این کشور که ادعای قانون اساسی لیبرال را در نظام بین‌الملل دارد، در پی داشته است. استفاده از شکنجه برای گرفتن اعتراف از متهمان که امروزه در اکثر کشورها منسوخ شده، هنوز در هند ادامه دارد که تأثیر منفی بر قدرت نرم این کشور دارد. هند باید معاهده ۱۹۸۷ سازمان ملل علیه شکنجه را تصویب کند تا ثابت کند متعهد به حقوق مدنی و شهروندی می‌باشد.

هند در طول تاریخ دارای معضل چالش‌برانگیز تضاد میان دو طبقه فقیر و غنی بوده است. امروزه این شکاف وسیع‌تر شده و تصویری از کشور توسعه‌نیافته را به نمایش می‌گذارد. وضعیت اسف‌بار معابر عمومی در هند، تأخیر در پروازها و حمل و نقل ریلی و جاده‌ای، تأثیر منفی بر قدرت نرم هند دارد.

در شاخص توسعه انسانی^۱، بر اساس گزارش سال ۲۰۱۱ سازمان ملل، این کشور رتبه‌ای بهتر از ۱۳۴ کسب نکرده است. بر اساس این رتبه‌بندی، تصویر هند به مثابه کشوری پرجمعیت، فقیر و بی‌سواد نشان داده می‌شود (Human Development Report 2011). با وجود اصلاحات اقتصادی در هند، این اصلاحات فقط در بخش‌های محدودی صورت گرفته و آزادسازی‌های تجاری و اقتصادی زمینه‌ساز شکاف شدید میان دو طبقه فقیر و غنی شده است. این مسئله باعث گسترش گروه‌های مرتبط با مائوئیست‌ها در ۱۷۰ نقطه از کشور هند شده که علیه دولت دست به قیام و شورش می‌زنند. در حقیقت، فقر فزاینده در آینده باعث زایل شدن رشد اقتصادی ۷ درصدی هند خواهد شد (Ganguly, 2003: 1).

هنوز بیش از ۳۴ درصد جمعیت هند، کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند و حدود ۸۰ درصد از مردم با کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند و بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در این کشور، زیر خط

1. Human Development Index

فقر قرار دارند (ناظمیان، ۱۳۸۹: ۱۴۹). فساد به عنوان یکی دیگر از عواملی که از فقر و بدبختی مردم ناشی می‌شود، در هند رواج زیادی دارد. این کشور در شاخص میزان فساد در سال ۲۰۱۲، رتبه‌ای بهتر از ۹۴ از ۱۸۰ کشور به دست نیاورده است (Corruption) Perceptions Index 2012).

تعداد زیادی از مردمان هند بی‌سواد هستند در حالی که دولت هند مدعی پیشرفت در نهادهای آموزش و تحصیلی در بخش‌هایی نظیر مؤسسه‌های فناوری^۱ و مدیریتی^۲ است، نتوانسته برای آموزش مقدماتی اکثر نوجوانان هندی چاره‌ای بیاندیشد.

امروزه کار برای بچه‌ها معضل پیچیده‌ای در هند محسوب می‌شود، میلیون‌ها نفر از جمعیت هند دچار سوء تغذیه هستند و بر اساس شاخص تغذیه جهانی^۳ که توسط نهاد تحقیقی-سیاسی بین‌المللی غذایی^۴ فراهم شده، این کشور در رتبه ۶۵ جهان قرار داد که نشان‌گر سوء تغذیه بالا و پیامدهای آن برای این کشور است که در سطح هشدار قرار دارد (Global Food Policy Report 2012).

منازعات حل نشده هند با سایر همسایگانش، تأثیرات منفی زیادی را بر قدرت نرم این کشور می‌گذارد. این کشور به راه حل منطقی برای حل این منازعات نیاز دارد تا شایستگی کسب کرسی دائمی شورای امنیت را به دست آورد.

روابط حسنه هند با دولت اقتدارگرای نظامی جانتا^۵ در میانمار (برمه) برای دستیابی به منافع استراتژیک، یکی دیگر از انتقادات وارده به هند در زمینه حمایت این کشور از دولت‌هایی است که حقوق بشر را نقض می‌کنند و قدرت نرم این کشور را به رغم ادعای گسترش دموکراسی در منطقه کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، دخالت هند در نپال با ادعای ایجاد صلح و ثبات در این کشور که به عنوان حامی دولت اقتدارگرای این کشور در مقابل مردم در سال‌های ۲۰۰۸-۹ شناخته می‌شد و همچنین، تلاش برای بقای حکومت استبدادی کاران سینگ^۶ در سال ۲۰۰۶ در بجه‌خیزش‌های دموکراسی خواهی در نپال، این نظر را اثبات کرد که هند اولویت دموکراسی خواهی و جامعه مدنی را فقط در کشور خود پذیرفته و حاضر است در صحنه بین‌المللی، برای دستیابی به منافع

-
1. Indian Institutes of Technology
 2. Indian Institutes of Management
 3. global-hunger-index
 4. International Food Policy Research Institute (IFPRI)
 5. Junta
 6. Karan Singh

استراتژیک خود که همانا تضعیف مائوئیست‌های نپال و جلوگیری از رابطه نزدیک نپال و چین است، اصول دموکراسی خواهی را فدا کند (Purushotman, 2010).

از جمله چالش‌های جدی برای قدرت نرم هند، آزمایش‌های هسته‌ای این کشور است که در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۹۸ انجام شد. هند از معدود کشورهایی است که عضویت در ان پی تی^۱ را نپذیرفته است. این مسأله خود برای این کشور در روابط بین‌الملل چالش عمده‌ای محسوب می‌شود. اگرچه هند در سطح بین‌المللی وانمود می‌کند کشورها باید در زمینه تسلیحات هسته‌ای خلع سلاح شوند، ولی به عنوان دولت دارای سلاح‌های هسته‌ای شناخته می‌شود.

این معیارهای متناقض و دوگانه، با دیدگاه کشورهای در حال توسعه که هند را کشوری مستقل، بی‌طرف و با حسن نیت بعد از استقلال می‌شناختند، تفاوت کلی دارد. از نظر آنان، امروزه هند در موضع ادعا و فریب‌کاری قرار دارد، که از اعتبار این کشور از دید کشورهای در حال توسعه کاسته است. تغییر موضع و رویکرد سیاست خارجی هند به دیدگاه واقع‌گرایانه پس از جنگ سرد، زمینه‌ساز بیگانه‌شدن هند برای تعدادی از کشورهای دوست و قدیمی شد. برای مثال، ناآرامی‌ها در جهان عرب و روابط گرم و حسنه هند با اسرائیل^۲ که به فروش تسلیحات و همکاری‌های اطلاعاتی واقعی ختم می‌شد، باعث وجهه منفی هند در منظر مسلمانان و اعراب شده است. همچنین، این کشور که نزدیک به نیم قرن است ادعای عدم تعهد به ابرقدرت‌ها را دارد، در ده سال گذشته، توانسته آن‌چنان توجه آمریکا را به خود جلب کند که به عنوان شریک استراتژیک و بزرگترین سرمایه‌گذار در بازارهای این کشور محسوب می‌شود (شیخ‌عطار، ۱۱:۱۳۸۱).

در حقیقت، هند با امضای پیمان هسته‌ای با آمریکا، شریک استراتژیک آن کشور و ابزار دست آمریکا برای مقابله با قدرت‌یابی چین محسوب می‌شود (شفیعی، ۱۳۹۰:۱۳۴).

این رویکردهای متناقض در سیاست خارجی هند، روز به روز از وجهه و حسن اعتبار این کشور در جهان می‌کاهد و دولت هند را در تقویت قدرت نرم این کشور با دشواری بیشتری مواجه می‌کند. در واقع، قدرت نرم به اعتبار و قابل قبول بودن از دید جهانی وابسته است و هنگامی که حکومت‌ها فریبکار و اطلاعات دریافتی، صرفاً شعار به نظر رسد، این اعتبار ویران شده است (یاسوشی، ۳۷:۱۳۸۹).

1. Nuclear Non- Proliferation Treaty

۲. روابط هند با اسرائیل از سال ۱۹۷۱ در بجنوحه جنگ هند و پاکستان شکل گرفت و این کشور روابط دیپلماتیک رسمی خود را با اسرائیل از ژانویه ۱۹۹۲ شروع کرد (مرادی، ۲۴۵:۱۳۸۷).

شاید مهم‌ترین مانع در تقویت قدرت نرم هند، مسئله کشمیر و شمال شرقی این کشور باشد. این منازعه همچنان حل نشده باقی مانده و یکی از چالش‌های عمده برای ایجاد دموکراسی سازنده و فعال در این منطقه منازعه‌خیز است. در این نزاع طولانی مدت بیش از ۴۷ هزار تن کشته شده‌اند (درویش پور، ۱۳۹۰: ۱۱۷). برای بیش از ۶۰ سال، هند و پاکستان، چهار جنگ را بر سر جامو و کشمیر^۱ تجربه کرده‌اند. جامو و کشمیر هر دو صحنه جنگ بین دو کشور و در هر مذاکره، هر دو کشور خواستار قرار گرفتن آن در چارچوب مرزهای خود بوده‌اند، اما هیچ‌کدام نتوانسته‌اند در جامه عمل پوشاندن به خواسته‌های خود، به طور کامل موفقیتی کسب کنند (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۶۱).

نتیجه‌گیری

قدرت نرم هر کشور و بازیگر در فضای بین‌المللی، از فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی ناشی می‌شود؛ مشروط بر اینکه این سه مقوله، دارای مطلوبیت و جذابیت از دید جهانیان باشد. کشور هند با سابقه تمدنی ۶ هزار ساله، که از نظر تاریخی و به ویژه، فرهنگی سرآمد کشورهای جهان است؛ پتانسیل بالقوه‌ای برای دستیابی به قدرت نرم دارد و سیاستمداران این کشور، همواره به تبلیغ این فرهنگ و تاریخ با اشاعه و انتشار فیلم‌ها، موسیقی‌ها و سایر مقوله‌های فرهنگی و تاریخی این کشور پرداخته‌اند. همچنین، می‌توان پراکندگی هندی‌ها در سراسر جهان را به عنوان اصلی‌ترین راه انتقال این فرهنگ به جهانیان قلمداد نمود.

در مورد ارزش‌های سیاسی، کشور هند به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و یک نمونه ایده‌آل از نظر انتخابات آزاد و عادلانه شناخته می‌شود. همچنین، این کشور به عنوان یکی از سردمداران جنبش عدم‌تعهد از دید کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌شود. امروزه هند با سیاست‌های داخلی موفق در زمینه اقتصادی، به چهارمین اقتصاد رو به رشد جهانی و دومین اقتصاد در حال رشد از نظر سرعت رشد اقتصادی تبدیل شده است. علاوه بر آن، هندوستان از نظر تولید صنعتی در رتبه یازدهم جهان و از نظر برخورداری از نیروی انسانی تحصیل‌کرده، در ردیف سومین کشور جهان قرار دارد (کولایی، ۱۳۹۱: ۵۰-۲۴۹).

۱. جامو و کشمیر منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی با جمعیت بالغ بر ۱۳ میلیون نفر و مساحت ۲۳۶/۲۲۲ کیلومتر مربع می‌باشد (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۳۴).

در سال‌های گذشته، هند به عنوان قطب علمی و دانشگاهی در کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌شود و هر ساله تعداد زیادی از دانشجویان کشورهای دیگر برای تحصیل، جذب این کشور می‌شوند. از نظر سیاست خارجی، هند پس از جنگ سرد، همواره سعی کرده روابط حسنه‌ای با همسایگان و دیگر کشورها داشته باشد. هند تنها کشوری در منطقه شبه‌قاره است که با همه کشورهای منطقه مرز مشترک دارد و کانون همه کنش‌های منطقه‌ای است. بنابراین، سیاست خارجی مصالحه‌جویانه برای این کشور، یکی از منابع اصلی قدرت نرم این کشور به حساب می‌آید. همچنین، هند در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نقشی فعال دارد و به عنوان یکی از کاندیداهای کسب کرسی دائمی شورای امنیت در آینده تلقی می‌شود.

در عین حال و به رغم فرصت‌های پیش رو برای هند، این کشور با چالش‌های زیادی برای دست‌یابی به قدرت نرم فزون‌تر دست و پنجه نرم می‌کند. فقر گسترده^۱ و سوء تغذیه دامن‌گیر و وضعیت اسفبار بهداشتی در هند، این کشور را از دید جهانیان به کشوری پرجمعیت و جهان‌سومی تبدیل کرده است. همچنین، فساد، تجزیه‌طلبی، خشونت‌های اجتماعی و هزاران منافع متضاد، پیشرفت هند را به عنوان نظام سیاسی دموکراتیک، مختل کرده است (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۹۴).

این کشور با رویکردهای متناقض در قبال تسلیحات هسته‌ای، همواره از عضویت در ان پی تی سر باز زده و فقط به شعار خلع سلاح جهانی بسنده نموده است. شاید از عمده‌ترین چالش‌ها در زمینه سیاست خارجی هند، منازعات بی‌پایان این کشور در مسئله جامو و کشمیر باشد. در طول تاریخ، این منطقه به عنوان قربانگاه تعداد زیادی از افراد بی‌گناه محسوب می‌شود و از لحاظ داخلی، موجب بی‌ثباتی سیاسی شده و پیامد آن در فضای بین‌المللی تقلیل و تزلزل جایگاه قدرت نرم این کشور بوده است (Adhikari, 2010:84). امروزه، برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران این کشور برای خیز برداشتن به سوی جایگاه مناسب در عرصه بین‌المللی، گریزی از این ندارند که در کنار فرصت‌های فراهم‌آمده برای کشورشان، در خصوص حل و رفع چالش‌های پیش رو، تدابیر لازم را بیاندیشند تا بتوانند با تکیه بر پتانسیل‌های موجود، به ویژه در حوزه قدرت نرم، به اهداف استراتژیک خود دست یابند.

منابع

- بلیک، ژانت و گلشن پژوه، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ «قدرت نرم؛ تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی»، *راهبرد*، سال ۱۹، شماره ۵۵، ۳۷-۱۲۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)؛ «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *راهبرد*، سال ۲۰، شماره ۶۱، ۲۱۱-۱۹۱.
- خاشعی، وحید و مراد امامزاده جعفر، مهرداد (۱۳۸۰)؛ «درآمدی سیاست‌گذارانه بر کارایی قدرت نرم در صحنه بین‌المللی»، *مطالعات قدرت نرم*، سال اول، پیش شماره سوم، ۷۶-۵۱.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴)؛ «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *دانش سیاسی*، شماره ۲، ۴۸-۱۳۵.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷)؛ «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۱، شماره ۴۱.
- درویش پور، حجت‌اله (۱۳۹۰)؛ «نشانه وحدت در کثرت جامعه هند»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۸، ۱۲۰-۹۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۴، صص ۲۲-۱۰۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)؛ *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- سجادپور، سید محمدکاظم و وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۹۰)؛ «دیپلماسی عمومی نوین؛ چارچوب مفهومی و عملیاتی»، *سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۴، ۹۵-۷۷.
- سمیعی، محمد (۱۳۹۰)؛ «آیا هند دگرپاره به دامان امپریالیسم برگشته است؟»، *مطالعات جهان*، دوره اول، شماره ۲، ۷۲-۴۹.
- شارپ، جین (۱۳۸۹)؛ *قدرت نرم و عدم خشونت*، ترجمه سیدرضا مرزانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- شفیعی، نوذر و دیگران (۱۳۹۱)؛ «رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ با نگاه به ایران»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپولیتیک*، سال ۸، شماره ۲، ۵۲-۱۲۵.

چشم‌انداز قدرت نرم هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها _____ ۲۲۷

شفیعی، نوذر و ماندنی، زهرا (۱۳۹۰)؛ «پیمان هسته‌ای آمریکا با هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *ماهنامه سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۸۳.

شیخ‌عطار، علی‌رضا (۱۳۸۱)؛ *دین و سیاست: مورد هند*، تهران: وزارت امور خارجه.

شیهان، مایکل (۱۳۸۸)؛ *امنیت بین‌الملل*، ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

عالمی، احمد (۱۳۹۱)؛ *آشنایی با کشور هند*، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)؛ «بحران‌شناسی رسانه‌ای: رسانه؛ قدرت نرم قرن ۲۱»، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۸۰-۵۵.

فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۸)؛ *مثلث آسیایی: چین، هند و پاکستان*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کولایی، الهه و واعظی، طیبه (۱۳۹۱)؛ «تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان»، *روابط خارجی*،

سال چهارم، شماره ۱، ۷۴-۱۴۷.

مجتهدزاده، پیروز و سایر نویسندگان (۱۳۸۹)؛ «بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی روابط در شبه‌قاره هند»،

مطالعات شبه‌قاره، سال دوم، شماره ۵، ۷۸-۵۵.

محمود مولایی‌کرمانی، بتول و سایر نویسندگان (۱۳۹۱)؛ «تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های قدرت نرم اسلام»،

مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ۵، ۶۹-۵۱.

مرادی، مسعود (۱۳۸۷)؛ «نقش روابط تسلیحاتی هند و اسرائیل در ژئوپولیتیک منطقه‌ای»، *سیاست*، دوره ۳۸،

شماره ۴، ۵۷-۲۴۳.

موسی‌زاده، رضا و کوهی، ابراهیم (۱۳۸۹)؛ *حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت*، تهران: میزان.

ناظمیان، حمید و اسلامی‌فر، علی‌رضا (۱۳۸۹)؛ «اقتصاد دانشی هند (الگوی برای توسعه پایدار در ایران)»،

مطالعات شبه‌قاره، سال دوم، شماره ۳، ۶۹-۱۴۵.

نای، جوزف (۱۳۸۹)؛ *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی

ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

یاسوشی، واتانابه و مک‌کانل، دیوید (۱۳۸۹)؛ *آموزش عالی فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعات موردی ژاپن و*

ایالات متحده آمریکا، ترجمه سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

2012 Global Food Policy Report, <http://www.ifpri.org/gfpr/2012>

Adhikari, Suddepto & Kamle, Mukui (2010); "The Kashmir: An unresolved dispute between India and Pakistan", *Geopolitics Quarterly*, Vol.6, No.4, 58-107.

Ahmed, Zahid Shahab & Bhatnagar, Stuti (2010); "Gulf States and the conflict between India and Pakistan", *Journal of Asia Pacific Studies*, Vol.1, No.2, 259-291.

Askari, Hasan (2011); *Pakistan- India Relations old problems: New Initiatives*, Islamabad, **Pakistan Institute of Legislative development and Trannsparecy**, www.pildat.org.

Banerjee, Dipanker (1998); "Comprehensive and Cooperative Security in South Asia, New Delhi", **Institute of Peace & Conflict Studies**.

Bending, Andrew H. (1966); *The making of Foreign Policy*, Baltimore, John Hopkins University Press.

- Bhat, Chandrashekhar & Narayan, K.Laxmi (2010); **Indian diaspora, Globalization and Transnational Network: The South African Context**, *Jsoecsci*, 25(1-2-3), 13-23.
- CIA . World factbook (2012); **India**, https://www.cia.gov/library/publications/the_world_factbook/goes/sa.html.
- Dixit, J. N. (2003); **India Foreign Policy: 1947-2000**, New Delhi, Picus Books .
- EIRC. (2008); ICT Competencies in India, **Catalyst for Euro-India Research**, www.euroindiaresearch.org
- Ganguly, Sumit & Manjeet S, Pardesi. (2009), "Explaining Sixty years of India's Foreign Policy", **India Review**, Vol.8, No.1.
- Ganguly, Sumit (2003); **India as an Emerging Power**, London, Frank Cass.
- Human Development Report 2011, <http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr2011/>
- Malone, David (2011); "Soft Power in Indian Foreign Policy", **Economic & Political Weekly**, Vol.VI VI, No.36, 35-39.
- MEA. (2002); "High level committee on Indian diaspora", New Delhi, **Indian Council of World Affair**.
- Nye, Joseph (2006); Springing Tiger, **India Today**, 25 September .
- Nye, Joseph (2010); "The future of American power", **Foreign Affairs**, Vol.89, No.6.
- Nye, Joseph. (1990); "Soft Power", **Foreign Policy**, No.80 .
- Nye, Joseph. (1990); **Bound to Lead: The Changing Nature of American Power**, New York: Basic Books, Inc., Publishers.
- Nye, Joseph. (2002); **"The Paradox of American Power: Why the World's only Superpower Can't Go It Alone"**, Oxford: Oxford University Press .
- Oommen, Ginuzacharia & Imam, Khurshid. (2010), "India's look west Policy and impact on India-GCC relations", **International Politics**, Vol.3, No.VI, 71-105.
- Pradhan, Prasanta Kumar (2011); "GCC-Iran Rivalry and Strategic challenges for India into Persian Gulf", **Indian Foreign Affair Journal**, Vol.6, No.1, 45-57.
- Purushothaman, Uma. (2010); "Soft Power and India's Foreign Policy", **Journal of PeaceStudies**, Vol.17, Issue. 2 & 3.
- Ramachandran, Sudha (2007); India has its own soft power-Buddhism, **AsiaTimesOnline**, <http://www.atimes.com/atimes/South-Asia/IG04df02.html>
- Sharp, Paul. (2007); **Revolutionary States, Outlaw Regime and the Techniques of public Diplomacy**, in Jan Melissen (ed.), **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations**, Hound mills, Basing stoke: Palgrave Macmillan.
- Tennyson, K.N. (2012); "India-Iran Relations challenges A head", **AIR Power Journal**. Vol.7, No.2, 152-171.
- Tharoor, Shashi (2007); Making the most of India's Soft Power, **The Times of India**.
- The 2012 corruption perceptions index, <http://cpi.transparency.org/cpi2012>
- Wagner, Christian (2005); "From Hard Power to Soft Power? Ideas, Interaction, Institutions, and images in India's South Asia Policy", working paper, No. 26, <http://archiv.ub.uniheidelberg.de/volltextserver/volltexte/2005/5436/pdf/hpsacp26.pdf>